

نقش کرامت انسانی در حقوق بشر و محیط زیست

میر مهران سید جلیلی سقزچی

دکترای حقوق تجارت بین الملل از دانشگاه نورث وست واشنگتن

چکیده

کرامت انسانی و حقوق بشر از اصول بنیادی در ساختار جوامع بشری هستند که در تمامی معاهدات و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این مفاهیم نه تنها به حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها پرداخته‌اند، بلکه رابطه‌ای پیچیده با حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی دارند. محیط زیست سالم به عنوان بستر اصلی حیات انسان‌ها، نقشی کلیدی در حفظ کرامت انسانی ایفا می‌کند. بحران‌های زیست‌محیطی همچون تغییرات اقلیمی، آلودگی و تخریب منابع طبیعی به طور مستقیم به تهدید حقوق بشر و نقض کرامت انسان‌ها منجر می‌شوند. این بحران‌ها به ویژه در جوامع فقیر و آسیب‌پذیر، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید کرده و حق دسترسی به منابع طبیعی سالم را محدود می‌سازند. در این مقاله به تحلیل ارتباط تنگاتنگ کرامت انسانی و حقوق بشر با محیط زیست پرداخته شده و بر لزوم توجه همزمان به این دو مقوله در سیاست‌گذاری‌های جهانی و ملی تأکید شده است. همچنین، حفاظت از محیط زیست به عنوان یک حق اساسی بشر و مسئولیت مشترک بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته است. در نهایت، نتیجه‌گیری مقاله بر این نکته تأکید دارد که فقط با اتخاذ رویکردی یکپارچه و همزمان در قبال حقوق بشر و محیط زیست می‌توان به توسعه پایدار و حفظ کرامت انسانی در سطح جهانی دست یافت.

واژگان کلیدی: کرامت انسانی، حقوق بشر، محیط زیست، تغییرات اقلیمی، عدالت زیست‌محیطی، توسعه پایدار

مقدمه

کرامت انسانی به عنوان یک اصل اساسی و بنیادین در حوزه حقوق بشر همواره مورد تأکید قرار گرفته است. این مفهوم که ریشه در فلسفه اخلاق و حقوق دارد، به انسان‌ها این حق را می‌دهد که به عنوان موجوداتی با ارزش و محترم شناخته شوند و هیچ فردی نباید از حقوق اساسی خود محروم شود. حقوق بشر، به ویژه در معاهدات بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، به کرامت انسانی به عنوان بنیادی‌ترین اصل توجه دارد. در این راستا، نه تنها حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها بلکه حقوق آن‌ها در رابطه با محیط زیست نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این زمینه، کرامت انسانی می‌تواند به عنوان یک معیار اخلاقی برای ارزیابی تعاملات انسان‌ها با محیط زیست و طبیعت در نظر گرفته شود. درواقع، انسان‌ها به عنوان موجوداتی با کرامت، باید مسئولیت خود در قبال حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی را بشناسند و آن را به عنوان یک تکلیف انسانی در نظر بگیرند. این تکلیف از آنجا نشأت می‌گیرد که انسان‌ها نمی‌توانند به طور خودخواهانه منابع طبیعی را به نحوی مصرف کنند که به کرامت خود و نسل‌های آینده آسیب وارد کند.

با توجه به تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست و آلودگی‌ها، تأثیرات منفی این بحران‌ها بر حقوق بشر و کرامت انسانی هر روز بیشتر آشکار می‌شود. به عنوان مثال، آلودگی هوا یا آب می‌تواند به سلامت انسان‌ها آسیب بزند و دسترسی به منابع طبیعی سالم، که حق هر فردی است، محدود شود. در این راستا، حفظ محیط زیست نه تنها یک مسئولیت اجتماعی بلکه یک ضرورت برای حفظ کرامت انسانی است، زیرا برقراری شرایط زیستی سالم، حقوق اساسی انسان‌ها را تأمین می‌کند.

در بُعد اجتماعی و اقتصادی نیز رابطه مستقیمی بین محیط زیست سالم و کرامت انسانی وجود دارد. جوامعی که در معرض بحران‌های زیست‌محیطی قرار دارند، معمولاً با مشکلاتی همچون فقر، تبعیض و نابرابری مواجه می‌شوند. این نابرابری‌ها می‌توانند حقوق بشر را نقض کرده و کرامت انسان‌ها را تهدید کنند. به همین دلیل، حفاظت از محیط زیست باید به عنوان یک استراتژی کلیدی برای مبارزه با فقر و نابرابری در نظر گرفته شود. این امر از طریق دسترسی برابر به منابع طبیعی و توسعه پایدار ممکن می‌شود.

یکی از نکات مهم در رابطه با کرامت انسانی و حقوق بشر، حفظ حقوق نسل‌های آینده است. انسان‌ها مسئولیت دارند که محیط زیست را به گونه‌ای مدیریت کنند که این منابع برای نسل‌های بعدی نیز قابل استفاده باشد. این امر نه تنها یک مسئله اخلاقی بلکه یک وظیفه حقوقی است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی به‌ویژه در راستای اهداف توسعه پایدار گنجانده شده است. حقوق نسل‌های آینده به عنوان بخشی از کرامت انسانی در نظر گرفته می‌شود، زیرا آن‌ها نیز شایسته زندگی سالم و دسترسی به منابع طبیعی هستند.

در بسیاری از موارد، تغییرات زیست‌محیطی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به طور مستقیم با نقض حقوق بشر و کرامت انسانی مرتبط است. به طور خاص، اقشار فقیرتر جامعه بیشتر در معرض آسیب‌های ناشی از تخریب محیط زیست قرار دارند. این نابرابری‌ها نه تنها کرامت انسانی این افراد را تهدید می‌کند بلکه به طور سیستماتیک موجب نقض حقوق آنها می‌شود. در این زمینه، توجه به عدالت زیست‌محیطی به عنوان ابزاری برای ترویج حقوق بشر ضروری است.

در سطح بین‌المللی نیز کشورها باید به طور مشترک مسئولیت‌هایی را برای محافظت از کرامت انسانی در برابر تهدیدات زیست‌محیطی بر عهده گیرند. اقدامات جهانی مانند توافق‌نامه‌های بین‌المللی برای کاهش تغییرات اقلیمی و حفاظت از تنوع زیستی، نقش مهمی در تقویت حقوق بشر ایفا می‌کنند. این توافقات نه تنها در راستای حفظ منابع طبیعی است بلکه به طور مستقیم بر کرامت انسانی تأثیر می‌گذارد، زیرا هر اقدامی برای کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی می‌تواند به حفظ حقوق اولیه انسان‌ها کمک کند.

در بسیاری از جوامع، آگاهی‌رسانی و آموزش‌های عمومی درباره ارتباط بین کرامت انسانی و حفاظت از محیط زیست می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای ارتقای حقوق بشر مورد توجه قرار گیرد. این آگاهی می‌تواند به تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی منجر شود و افراد را ترغیب کند که در حفاظت از محیط زیست مشارکت فعال داشته باشند. علاوه بر این، سیاست‌گذاران باید به‌طور مستمر در راستای تدوین و اجرای قوانین زیست‌محیطی که به‌طور مستقیم حقوق بشر را تقویت می‌کند، تلاش کنند.

همچنین، در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و بومی در رابطه با محیط زیست و کرامت انسانی ضروری است. بسیاری از جوامع بومی و محلی که ارتباط عمیقی با طبیعت دارند، نگرش‌های خاصی در رابطه با حقوق بشر و محیط زیست دارند. این جوامع باید در فرآیندهای تصمیم‌گیری زیست‌محیطی مشارکت داده شوند تا نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها در چارچوب حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست لحاظ شود. این مشارکت می‌تواند به تقویت احساس کرامت انسانی در جوامع مختلف منجر شود.

در نهایت، رابطه بین کرامت انسانی و محیط زیست، از دیدگاه فلسفی نیز به اهمیت مراقبت از طبیعت به‌عنوان بخشی از حق حیات و آزادی فردی اشاره دارد. انسان‌ها به‌عنوان موجوداتی با عقل و شعور، باید از توانایی خود برای حفظ محیط زیست بهره‌برداری کنند. به همین دلیل، توجه به محیط زیست نه‌تنها مسئولیتی قانونی یا سیاسی است بلکه یک امر اخلاقی و انسانی است که باید در تمام سطوح جامعه مورد توجه قرار گیرد.

به طور کلی، ارتباط بین کرامت انسانی و محیط زیست به‌طور گسترده‌ای تأثیرگذار است و تأمین حقوق بشر تنها در صورتی ممکن است که انسان‌ها محیط زیستی سالم و پایدار داشته باشند. حفظ و ارتقای کرامت انسانی، بدون توجه به سلامت محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی، غیرممکن است. بنابراین، برای دستیابی به جامعه‌ای عادلانه و انسانی، توجه به هر دو این اصول ضروری است.

انسانی شدن حقوق محیط زیست با رویکرد بشریت محور

اصول حاکم بر روابط دولتها پس از جنگ جهانی دوم دچار تحولات مهمی شده است. ماهیت ارتباط میان دولتها در ابتدا تحت عنوان قاعده همزیستی، متعاقباً "همکاری" و حتی امروزه حرکت جامعه بین‌المللی به سمت تلاش همگانی در جهت پیشرفت " نیز می‌باشد. اصطلاح اخیر در دکتترین (دربدارنده پیشرفت سریع جامعه بین‌المللی در حوزه‌های اخلاقی نسبت به سایر حوزه‌ها و هدف نهایی آن رشد و شکوفایی انسانها در عالی‌ترین سطح آن است. بطوریکه هر انسانی قادر و مایل به تحقق بخشیدن به اهداف ارزشمند خود و یا درک زندگی مناسب باشد البته رویکرد اخیر در حقوق بین‌الملل تحت تأثیر انسانی شدن حقوق بین‌الملل می‌باشد انسانی شدن حقوق بین‌الملل و شاخه‌های آن از مهمترین مباحث حقوق بین‌الملل معاصر می‌باشد منظور از انسانی شدن حقوق بین‌الملل توجه به ملاحظات انسانی در روابط میان دولتها و سازمانهای بین‌المللی است. انسانی شدن حقوق بین‌الملل در دکتترین با دو رویکرد مطرح شده است رویکرد فرد محور و رویکرد بشریت محور. در رویکرد فرد محور برخی اندیشمندان انسانی شدن حقوق بین‌الملل را ماحصل تحولاتی میدانند که در نتیجه پیدایش و توسعه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوجود آمده است دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان می‌دارد: توسعه و انتشار آموزه‌های حقوق بشر در جامعه بین‌المللی تحولات مهمی در حقوق بین‌الملل بوجود آورده است. لذا رویکرد حاکمیت محور به تدریج جای خود را به رویکرد انسان محور داده است. در واقع این قاعده برخاسته از حقوق روم می‌باشد که تمام قوانین برای انتفاع بشر بوجود آمده اند جایگاه خود را در جامعه بین‌المللی تثبیت نموده است. دلیل اینکه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در انسانی کردن حقوق بین‌الملل با رویکرد فردمحور) پیشگامان این است که

ماهیت انسانی کردن در ذات این شاخه‌های حقوقی نهفته است. قواعد حقوق بشردوستانه از طرفی نه تنها دولتهای طرف معاهده بلکه گروه‌های طرف مخاصمه را نیز ملزم می‌نماید. از طرف دیگر با تبدیل شدن این قواعد به عرف بین‌المللی حتی دولت‌های غیر متعاقد نیز ملزم به این قواعد می‌باشند. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق اذعان می‌دارد: «هم حقوق بشر و هم حقوق بشر دوستانه بر احترام به ارزشها و کرامت شخص انسان متکی می‌باشند. توجه و تاکید هر دو شاخه حقوقی بر کرامت انسانی پایه‌های حداقل استانداردهای اساسی، برای شکل‌گیری نظام مبتنی بر بشریت را تشکیل می‌دهد». مفهوم جدید "حقوق بین‌الملل بشریت محور به این معنی اشاره دارد که اصول، قواعد و مکانیزم‌های حقوق بین‌الملل صرفاً برای تامین منافع دولتها و حتی منافع اشخاص، وضع و اعمال نمیشوند بلکه برای تامین منافع و رفاه بشریت به کار گرفته میشوند. در واقع فرایند انسان محوری حقوق بین‌الملل تمام حوزه‌های آن از مبانی و تابعان حقوق بین‌الملل گرفته تا ساخت‌های مفهومی جدید و اصول مبنایی حقوق بشر را تحت تاثیر قرار داده است. همچنین کوششهایی که برای استقرار حقوق بین‌الملل انسان محور به عمل آمده همه برای آن بوده تا ارزشهایی مانند صلح عدالت و... به صورتی مناسب مستقر شوند چنین فرایندی از حقوق بین‌الملل جدید حکایت دارد یک حقوق بین‌الملل برای کل بشریت) مقصود از بشریت نوع انسان" است یعنی تمام اعضای جامعه انسانی و همچنین به نسلهای فعلی و آتی بشر نیز اشاره دارد. در این مفهوم حقوق بین‌الملل بدنبال تحقق هدفهای عالی مشترک در میان کل بشریت میباشد.^۱ لذا ارجاع به بشریت ارجاع به آن بعنوان یک کل، در رابطه با مسائل مربوط به منافع، مستقیم مشترک و عمومی تفسیر شده است. رویکرد بشریت محور بعنوان یکی از شاخه‌های انسانی شدن حقوق بین‌الملل معاصر، سابقه تاریخی کمتری از رویکرد فرد محور دارد با این حال به سرعت در حال توسعه میباشد. از جمله رژیم‌هایی که امروزه زیر چتر رویکرد بشریت محور قرار میگیرد حقوق محیط زیست است. حقوق محیط زیست که در دهه‌های اخیر به سرعت توسعه یافته سمبل رویکرد بشریت محور در انسانی شدن حقوق بین‌الملل به شمار میرود. امروزه مصادیق میراث مشترک بشریت رو به افزایش میباشد.^۲ موافقتنامه ۱۹۷۹ راجع به فعالیت دولت‌ها در ماه و سایر اجرام آسمانی پروتکل ۱۹۹۱ در مورد حفاظت از محیط زیست جنوبگان اعلامیه ۲۰۰۱ یونسکو در مورد تنوع فرهنگی و... وصف مشترک تمامی تلاشهایی که در این اسناد به منصف ظهور رسیده اند به پدیده ای اختصاص دارد که بشریت را بعنوان پدیده ای فراملی به رسمیت میشناسد حضور افراد در اداره این میراث به گونه ای تعریف شده که منافع بشریت در سراسر جهان و نه صرف رفاه قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود را در نظر گرفته و بدنبال منافع ملی خود باشند؛ عواید حاصله در نتیجه فعالیتهای اقتصادی باید به نفع بشریت تقسیم شود، دستاوردهای علمی باید در دسترس بشریت قرار گیرد و به نفع آنها به کار گرفته میشود.^۳

امروزه موضوعات زیست محیطی مانند تغییر اقلیم، تنوع بیولوژیکی و ... آنچنان دارای ابعاد گسترده ای هستند که صرف اراده دولتها برای مرتفع ساختن این مشکلات کافی نیست و نیازمند رویکردی جهانی میباشد لذا در اسناد متعدد بین‌المللی که مربوط به حفاظت از محیط زیست، توسعه پایدار و میراث فرهنگی میباشند مکرراً به بشریت استناد شده است. برای نمونه اصل هجدهم اعلامیه استکهلم به خیر مشترک بشریت استناد می‌نماید. به نظر میرسد ارجاع اسناد متعدد زیست محیطی به بشریت، نشان میدهد اصول اساسی مشترک در میان آنها تامین منافع مشترک بشریت میباشد در واقع امروزه بشریت بعنوان یک شخصیت حقوقی باید مورد توجه قرار گیرد برای نمونه پروتکل ۱۹۷۸ مونرال در مورد حفاظت از لایه ازن

^۱ . یوسف فرزانه انسانی شدن حقوق بین‌الملل در پرتو نظریه مسئولیت حمایت با تاکید بر دیدگاه اسلام (تهران: دانشگاه پیام نور گروه الهیات و حقوق اسلامی، ۱۳۹۳) ص ۹۳

^۲ هدایت اله فلسفی، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۶) ص ۴۲۶. همان، صص ۴۳۲-۴۳۳

^۳ شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۶) الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز

که) بخشی از معاهده ۱۹۸۵ در مورد حفاظت از لایه ازن می باشد مناطقی که در قلمرو سرزمینی دولتها قرار گرفته است را بعنوان میراث مشترک بشریت قلمداد نموده و با توجه به اینکه هزینه مورد نیاز جهت حفاظت از آنها (بطور مشخص (جنگلهای) آمازون را بر عهده جامعه بشری میداند و همچنین بشریت را اعم از نسل های حال و آینده تعریف مینماید مفهوم نوینی از مالکیت عمومی به دست می دهد که ناشی از شکل گیری بشریت بعنوان یک شخصیت حقوقی بر اساس منافع مشترک می باشد. در سالهای اخیر در حقوق بین الملل محیط زیست میراث مشترک بشریت» در سیر تکاملی خود به نگرانی مشترک بشریت تبدیل شده است مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۵۳/۴۳ در اولین پاراگراف، اجرایی تغییر اقلیم را بعنوان نگرانی مشترک بشریت مورد شناسایی قرار میدهد زیرا مراقبت از اقلیم را شرط ضروری زندگی در کره زمین میداند. متعاقبا در پاراگراف بعدی خواهان اقدام ضروری و به موقع در چهارچوبی جهانی میشود. تغییر رویکرد بین المللی از میراث مشترک بشریت به نگرانی مشترک بشریت الهام گرفته از رویکردی نوین در نظم عمومی بین المللی است. در میراث مشترک بشریت، جامعه بین المللی بدنبال توزیع منافع حاصل از بهره کشی از طبیعت بوده است در حالیکه نگرانی مشترک بشریت هم موجد حق است و هم تکلیف؛ حق بهره برداری مشروع از منابع و مسئولیت مشترک به همکاری در حفاظت و حراست از محیط زیست. لذا در رویکرد اخیر، دولتها علاوه بر حق بهره برداری متعهد به حراست از محیط زیست نیز هستند.

برنامه محیط زیست ملل متحد نیز این مسئله را تصدیق مینماید که حفاظت از محیط زیست به مسئله حقوق بشر قطعاً مرتبط " " میباشد در این راستا مقدمه کنوانسیون یونسکو در مورد حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی مقرر می دارد: «برخی از میراث ... طبیعی دارای منفعت اساسی بوده و میبایست از آنها بعنوان میراث جهانی بشریت در کل محافظت شود.» در واقع کنوانسیون اخیر به مسئولیت و تعهد جامعه بین المللی در کلیت آن اشاره دارد. در این راستا بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اخیر مقرر میدارد با احترام کامل به حاکمیت دولتهایی که میراث ... طبیعی در سرزمینشان قرار دارد کشورهای عضو این کنوانسیون بر این باورند که چنین میراثی میراث جهانی است که جامعه بینالمللی به عنوان یک کل وظیفه حفاظت از آن را با همکاری بعهده دارد».

قبل از برگزاری کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه در ریو، برنامه محیط زیست سازمان ملل گروهی متشکل از متخصصان حقوق بینالملل را در دسامبر ۱۹۹۰ در مالت تشکیل داد تا مبنای هنجاری موضوعات مورد بحث در کنفرانس پیش رو را تعیین نمایند. گروه مذکور در گزارش خود به بحث نگرانی مشترک پرداخته و در این مورد عنوان می کند مفهوم نگرانی بین المللی به رویه ارگانهای سازمان ملل در حل مسائل در مربوط به حمایت از حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت مردمان اشاره داشت... اما در حال حاضر نگرانی مشترک بشریت نشان دهنده ابعاد زمانی و اجتماعی متعددی بوده و بر موضوعاتی متمرکز میباشد که حقیقتاً برای تمام بشریت مسئله ای اساسی باشند.» گزارش کمیته مالت به خوبی تایید مینماید که حقوق محیط زیست بعنوان نگرانی مشترک بشریت صرفاً بدنبال تامین منافع دولتها نبوده بلکه فراتر از آن درصدد رفع نیازهای جامعه بین المللی حرکت مینماید گروه مذکور در سال ۱۹۹۱ مجدداً در ژنو تشکیل جلسه داده نگرانی مشترک بشریت را مورد مذاقه قرار دادند در گزارش ژنو مقرر شده: «مراقبت از محیط زیست جهانی مستلزم توجه بیشتر جامعه بین المللی است. تامین زندگی همراه با کرامت برای همه در محیطی سالم، امن و بهداشتی میبایست موضوع نگرانی مشترک بشریت باشد». آخرین اجلاس گروه متخصصان در بیجینگ چین برگزار شد در این اجلاس نتیجه گیری شد ظهور تازه مفهوم نگرانی مشترک بشریت به منظور بهره مندی از پذیرش عمومی در خصوص مسائل زیست محیطی جهانی، از مبنایی موسع و انعطاف کافی برخوردار است. به عبارت دیگر گروه مذکور موضوعات زیست محیطی جهانی را در چهارچوب نگرانی

مشترک بشریت قابل بررسی میداند. در نهایت کنوانسیون تغییر اقلیم و تنوع زیستی در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو به تصویب می‌رسد و هر دو کنوانسیون در مقدمه به «نگرانی مشترک بشریت» در مورد مسائل زیست محیطی اذعان مینمایند.^۱ با تمام این تفاسیر هیچ تعریف رسمی از تسری حقوقی نگرانی مشترک بشریت به نظام حقوق محیط زیست وجود ندارد اما دکترین بر مبنای اسناد زیست محیطی وجود سه مولفه را در تبیین آن ضروری میداند. بعد مکانی از این منظر تمام دولتها متعهد به همکاری برای حفظ و حراست از نگرانی‌های مشترک میباشند چه این نگرانی در محدوده حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها باشد یا خارج از آن؛

بعد زمانی از این، بعد نگرانیهای مشترک بشریت در حوزه زیست محیطی دارای آثار گسترده و بلندمدتی هستند که نه تنها نسل حاضر بلکه دامن گیر نسل آتی نیز میباشند. بنابراین نسل حاضر در برابر نسلهای آینده دارای تعهدات اخلاقی و حقوقی میباشند؛

* بعد اجتماعی بعد اجتماعی مستلزم مشارکت تمام گروههای دولتی و غیردولتی اعم از قوای سه گانه و حتی شهروندان نیز میباشند. وجود ابعاد، مکانی، زمانی و اجتماعی در حقوق بین‌الملل محیط زیست از حیث عینی و ذهنی قابل تایید است در تحلیل عوامل عینی باید اذعان نمود افزایش مسائل زیست محیطی در سالهای اخیر دولتها را به صورت فردی و جمعی به چالش کشیده است پیشرفت علم و تکنولوژی از طرفی رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی بشر را به دنبال داشته؛ از طرف دیگر اثرات سوئی بر محیط زیست به جا گذاشته روند توسعه پایدار را با کندی مواجه نموده است خطرات موجود برای محیط زیست نه لزوما ناشی از حرکت طبیعی تکنولوژی که غالبا ساخته و پرداخته دست بشرند. با توجه به اینکه آسیب‌های زیست محیطی مانند تغییر اقلیم آسیب دیدن لایه اوزون و... بسیار گسترده و جدی بوده و غالبا محدود به منطقه و دولت خاصی نمیشود دولت‌ها با همکاری یکدیگر میبایست تمهیداتی اندیشیده تا جلوی آسیبهای بیشتر را گرفته و در راستای ایجاد محیطی سالم و مناسب برای ارتقای کرامات انسانی گام بردارند.^۲

از حیث ذهنی شناسایی محیط زیست به عنوان یک موضوع فراملی که سرنوشت جامعه بین‌المللی متأثر از آن است سابقه ای طولانی ندارد. قبل از سالهای ۱۹۶۰ دولتها به سختی ضرورت حمایت از محیط زیست بشری توسط حقوق بین‌الملل را درک می‌کردند. تاخیر دولت‌ها در درک اهمیت موضوعات زیست محیطی به طور کلی معلول سه علت است: اول اینکه در سالهای اخیر بوده که با توسعه فعالیتهای صنعتی آلودگی‌های زیست محیطی و خسارت‌های گسترده ناشی از آن بوجود آمد قبل از آن غالبا خسارات زیست محیطی در اندازه ای نبوده که به یک بحران بین‌المللی تبدیل شود دوم حتی زمانی که دولتها مسائل زیست محیطی را به عنوان مسائل فراملی شناسایی نمودند همچنان به رویکرد سنتی نسبت به این مسائل پایبند بودند بدین معنا که با برقراری ارتباط دو جانبه یا حتی چندجانبه تامین حداکثر منافع خود را در سر داشته و لذا دغدغه ای نسبت به منابع زیست محیطی سایر دولتها و جامعه بین‌المللی نداشتند. سوم هنوز مردم نسبت به خطرات احتمالی زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و نظامی آگاهی کافی نداشته و حساسیت به میزانی نبود که از طریق جوامع مدنی، دولت‌ها را تحت فشار قرار دهند. اصطلاح نگرانی مشترک بشریت به خوبی نشان میدهد مبانی رویکردهای پوزیتیویستی حقوق بین‌الملل تضعیف شده و بجای اتکای صرف به اراده دولتها به نیازها و تمنیات بشریت بعنوان یک کل چه نسل فعلی یا نسلهای آتی

^۱ Lingliang Zeng, "Humanizing Tendency of Contemporary International Law", *Frontiers of Law in China*, Volume 4, issue 1, (2009), at 19

^۲ شیما عرب اسدی، امیرحسین، رنجبریات، (۱۳۹۷) نگرانی‌های مشترک بشری از پدیداری تا تکامل در حقوق بین‌الملل محیط زیست، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دوره ۸۴، شماره ۲، ۱۳۹۷، صص ۴۰۷-۴۰۸

توجه میشود و همانطور که ملاحظه شد مسائل زیست محیطی جهانی کل بشریت را تحت تاثیر خود قرار میدهد. در ادامه مفهوم کرامت انسانی و تاثیر آن بر انسانی شدن حقوق محیط زیست تشریح می گردد.^۱

منشور جهانی طبیعت

گسترش آلودگیها و معضلات زیست محیطی به ویژه در مورد منابع طبیعی باعث شد تدابیری جهت حفظ آن که میراث نسلهای حاضر و آینده است، اندیشیده شود. لذا ده سال بعد از کنفرانس استکهلم، دومین سند مهم بین المللی تحت عنوان منشور جهانی «طبیعت در زمینه حمایت از محیط زیست در یک مقدمه و ۲۶ ماده و به موجب قطعنامه شماره ۳۷/۷ در ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید از این منشور نیز ضمن شناسایی حق بر محیط زیست، نحوه اجرای آن توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به ویژه دولتها را مقرر داشته است. منشور، مواد ۲۶-۱۹ خود را نیز به نحوه ی اجرای اصول مربوط به حق بر محیط زیست و حفاظت از آن اختصاص داده است (وکیل و عسگری، ۱۳۸۳ (۹۳) در ماده ۱۶ لزوم درج حفاظت از محیط زیست در برنامه های توسعه ای مقرر شده و در ماده ۲۱ لزوم خودداری دولتها از ایراد خسارت فرامرزی به محیط زیست دولت‌های دیگر یا مشترکات جهانی پیش بینی گردیده است. همچنین این منشور یکی از اولین بیانیه هایی بود که حق افراد برای مشارکت در تصمیم گیری و دسترسی به ابزارهای جبران خسارت در زمانی که محیط زیست آنها متحمل خسارت یا تجزیه شده را شناسایی می کند. ده سال بعد اصل ۱۰ اعلامیه ریو بر نیاز به این حقوق مشارکتی اشاره کرد. اگرچه اصول مندرج در این منشور قطعاً از نظر حقوقی الزام آور نبوده و مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر حقوق نرم نامیده می شوند (امیرارجمند، ۱۳۷۶: ۳۳۸). ولی حقوق و تکالیف ناشی از ضرورت حمایت از محیط زیست را مطرح میکند.

پیش نویس سومین میثاق بین المللی حقوق بشر به نام حقوق همبستگی

در مقدمه پیش نویس سومین میثاق بین المللی حقوق بشر که تحت عنوان حقوق همبستگی و در سال ۱۹۸۲ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح گردید محیط زیست به همراه صلح، توسعه و میراث مشترک بشریت به عنوان یکی از ارزشهای مشترک جهانی شناخته شده است. علاوه بر این، عبارات پیش بینی شده در مقدمه پیش نویس این میثاق به خوبی حفاظت از محیط زیست را در جهت مفاد حقوق بشر منشور ملل متحد می نمایند. در بند سوم و مسیر مقدمه آن پیوند مصادیق حقوق همبستگی به ویژه با حق بر محیط زیست اهمیت حمایت از حقوق بشر در منشور ملل متحد و گستره حقوق و تکالیف این نسل جدید حقوق بشری پیش بینی شده است (حبیبی این پیش نویس، حق بر محیط زیست به عنوان مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسلهای آینده است. ماده ۱۴ این پیش نویس در مقام تعریف حق بر محیط زیست مقرر میدارد هر انسان و کلیه ی انسانها به صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی و حقوقی برخوردار شوند. برابر ماده ۱۵ این پیش نویس دولت‌های عضو متعهد میگردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی آسیب وارد نماید آسیبی که برای توسعه ی جمعی لازم و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد قابل قبول محسوب می گردد.

¹ Schonecker, Dieter, Elke Elizabeth Schmidt, "Kant's Ground-Thesis, On Dignity and Value in the Groundwork", The Journal of Value Inquiry, Volume 52, Issue 1, (2018).

آینده مشترک ما

در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه مفهوم توسعه پایدار را در گزارش خود «آینده یکنه مشترک ما به کار برد مفهوم توسعه پایدار در این گزارش به این معناست: «توسعه ای که نیازهای نسل حال را بدون به خطر انداختن ظرفیتها و نیازهای نسل آینده، تأمین نماید.» بنا به نظر گروه کارشناسان محیط زیست کمیسیون توسعه و محیط زیست فهرستی از اصول حقوقی از جمله حق بر محیط زیست به مثابه حق بنیادین بشر را مورد شناسایی قرار داده است. در ماده یک گزارش گروه کارشناسان در مورد حق بنیادین بشر آمده است هر انسانی حق بنیادین نسبت به محیط زیست مناسب برای سلامتی و سعادت خود را دارد». (پی، ۲۰۱۴)

اعلامیه لاهه

اعلامیه لاهه درباره محیط زیست در سال ۱۹۸۹ نیز میان محیط زیست و حقوق بشر ارتباط برقرار نمود و حق زندگی با کرامت و مناسب شأن انسان را در محیط زیست پایدار تأیید می کند. این اعلامیه در راستای بیان حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بنیادین بشر گام برداشته و بیان می دارد که آسیب ها و خطرات زیست محیطی در واقع صدمه به حق زندگی با کرامت در محیط جهانی تلقی می شود.

اعلامیه ریو

اعلامیه کنفرانس جهانی سازمان ملل در ریودوژانیرو برزیل درباره محیط زیست و توسعه معروف به اعلامیه ریوه که طی قطعنامه ۴۴/۲۲۸، ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی رسید. حقوق بشر را با محیط زیست مرتبط میداند علیرغم این که اعلامیه ریو تأکید مجدد بر اعلامیه استکهلم بوده است ولی اشاره صریحی به حق بر محیط زیست سالم نکرده است و فقط می توان با تفسیر توسعه پایدار حق بر محیط زیست سالم را از اعلامیه ریو استخراج نمود. اعلامیه بر وابستگی و ارتباط تنگاتنگ حفاظت از محیط زیست و حمایت از حقوق بشر به عنوان مجموعه ای تفکیک - ناپذیر برای دستیابی به توسعه پایدار تأکید مینماید: «انسانها موضوع اصلی دل مشغولی های مربوط به توسعه پایدار هستند آنها حق دارند از زندگی سالم و مولد هماهنگ با طبیعت برخوردار باشند.» (اصل اول) تحقق عینی چنین اصلی تنها با شناسایی حق برای توسعه اصل سوم) از یکجانب و ادغام حفاظت از محیط زیست در روند توسعه اصل چهارم از جانب دیگر امکان پذیر استاز میان اصول ۲۷ گانه اعلامیه، ریو آنچه بیشتر نمایان است اصل ۱۵ اعلامیه است که بیان میدارد برای حفاظت از محیط زیست دولتها باید متناسب با امکانات خود، تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند در صورت بروز خطر شدید یا غیر قابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود لطمه محیط زیست شود. این اعلامیه علاوه بر این که به وظایف کشورها و همکاریهای بین المللی برای حفاظت از محیط زیست اشاره دارد نقش حقوق شهروندان، زنان و ساکنان بومی را در این رابطه مورد ارزیابی قرار میدهد، آون (۱۳۷۹) ۹۱). همچنین اعلامیه به ضرورت حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه اشاره مینماید و بیان می دارد که جنگ ذاتاً بر توسعه پایدار اثر تخریبی دارد. از همین رو، صلح توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست وابستگی متقابل داشته و غیرقابل تجزیه میباشد.

¹ Yee

اعلامیه هزاره سازمان ملل

اعلامیه هزاره ی سازمان ملل مصوب سپتامبر سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل اشاره به ارزشهای بنیادین در روابط بین الملل دارد که یکی از آنها حفاظت از محیط زیست میباشد. در قسمت «د» و در ماده ۲۱ این اعلامیه آمده است ما باید از هیچ تلاشی برای نجات تمام بشریت و مهمتر از همه فرزندان و نوادگان ما از خطر زندگی در سیاره ای که به شکل جبران ناپذیری بر اثر فعالیت های نوع بشر خسارت دیده و منابع آن دیگر برای نیازهای آن بسنده نخواهد بود، خودداری ننماییم. اسناد بالا هر چند دارای اهمیت بوده و حق بر محیط زیست را تأیید می کنند ولی از لحاظ حقوقی، جنبه الزام آور ندارند افزون بر این اسناد، معاهدات و کنوانسیونهایی در سطح جهانی به تصویب رسیده اند که عبارت اند از عهدنامه مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷ درباره فضای کنوانسیون پیشگیری از آلودگی ناشی از تخلیه ضایعات در دریا ۱۱۰ مصوب ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ لندن، کنوانسیون آلودگی دریاها توسط کشتیها مصوب ۲ نوامبر ۱۹۷۳ لندن، کنوانسیون بن در مورد حفاظت از نسل حیوانات وحشی مصوب سال ۱۹۷۹، آلمان کنوانسیون کانبرا در مورد حفظ منابع زنده دریایی قطب جنوب مصوب سال ۱۹۸۰ کنوانسیون بازل در خصوص کنترل حمل و نقل ضایعات خطرناک میان کشورها مصوب سال (۱۹۸۹) و... (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۶: ۳۲) همانطور که اشاره گردید ماهیت بسیاری از اسناد بین المللی که حق بر محیط زیست سالم را در خود جای داده اند، در زمره قواعد قوام نیافته هستند، ولی باید اذعان نمود که اگر حقی نتوانست در ردیف قواعد قوام یافته قرار بگیرد، موجودیت آن حق هیچگاه زیر سوال نخواهد رفت.

کرامت انسانی در حقوق محیط زیست

اساسا هر نظام حقوقی بر اساس اصول شکل میگیرد نظام حقوقی مبتنی بر بشریت مانند حقوق محیط زیست نیز بر پایه اصولی قرار دارد که از منزلتی شایسته در حقوق بین الملل برخوردارند. از مهمترین اصول مذکور منزلت و کرامت انسانی است که از جمله اصول مطلق و اساسی محسوب میشود برای مثال گروهی از اندیشمندان در سال ۲۰۱۰ سند «هارت ول» ۲ را در مورد تغییر اقلیم تهیه نمودند در این سند عنوان شده هدف این سند چارچوب بندی مجدد موضوع تغییر اقلیم حول محور کرامت انسانی است همچنین اذعان می دارد: «اصل سازماندهی کننده تلاشهای ما باید ارتقای کرامت انسانی باشد». این نکته را باید مد نظر داشت که رویکرد کرامتی به محیط زیست، به معنای نادیده انگاشتن سایر اجزای محیط زیست نمیشد. برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) نیز در سال ۲۰۱۳ در گزارشی تحت عنوان گنجاندن محیط زیست در اهداف توسعه پایدار " عنوان می دارد: «محیط زیست فی نفسه دارای ارزش ذاتی است یکپارچگی محیط زیست به خودی خود دارای اهمیت است زیرا طبیعت دارای ارزشهای آموزشی فرهنگی، تفریحی، زیبایی، شناسی، مذهبی، معنوی و غیره میباشد.

برای مثال منشور زمین در سال ۲۰۰۰ با ابتکار سازمان، آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با کنسانسوس به تصویب رسید. منشور زمین ضمن تصدیق اعتقاد به کرامت ذاتی همه انسانها احترام به زمین و حیات در تمام اشکال آن را اصول اصلی این سند و در این رابطه عنوان می دارد: «تمام موجودات به یکدیگر وابستگی متقابل دارند و هر شکلی از زندگی ارزشمند میباشد همچنین در اصول اساسی منشور زمین پذیرفته شده «حق مالکیت، مدیریت و استفاده از منابع طبیعی تعهد به ممانعت از آسیبهای زیست محیطی و حمایت از حقوق افراد را در پی دارد

استیون راکفلر، رئیس کمیته پیش نویس منشور، زمین اظهار داشت منشور زمین اساسا مربوط به انتقال به روشهای پایدار زندگی و توسعه پایدار بشری میباشد. وی با استناد اصول اساسی منشور زمین عنوان نمود این سند در واقع بدنبال انعکاس این واقعیت است که مراقبت از مردم و مراقبت از زمین دو بُعد کاملاً مرتبط با یکدیگر هستند. لذا فعالان و نهادهای اقتصادی

در کنار تحقق توسعه انسانی عادلانه میبایست از سیستم اکولوژیکی زمین نیز حراست نمایند لذا رویکرد کرامتی نه تنها برای انسان ایجاد حق می کند بلکه وی را در برابر محیط زیست متعهد نیز مینماید. اما ظرفیتهای موجود در کرامت انسانی چگونه می تواند انسانی شدن حقوق محیط زیست با رویکرد بشریت محور) را تامین نمایند.

۱-۳ حفاظت از محیط زیست در پرتو تفسیر موسع کرامت انسانی یکی از کارکردهای رویکرد کرامتی به محیط زیست، تفسیر موسع حقهای بشری است. به عبارت دیگر از ویژگیهای کرامت انسانی مفهوم گسترده آن و تفسیر موسعی است که در حوزههای مختلف حقوق بینالملل میتوان از آن ارائه نمود از جمله پرونده های جالب در این مورد پرونده دولت آفریقای جنوبی علیه گروتوبوم و دیگران میباشد. در این رای، دادگاه قانون اساسی آفریقا با تفسیر موسعی که از مفهوم کرامت انسانی مینماید حق بر خوراک، پوشاک و مسکن را بعنوان حداقل هایی که اقتضای کرامت انسانی است؛ زیر بنای ارزشهای جامعه اعلام مینماید. این پرونده مربوط به گروهی از افراد بی خانمان است که ساکن منطقه والا سیدین بوده اند که وضعیت اسفناکی از حیث شرایط زندگی داشته اند. دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی در این پرونده عنوان میدارد قانون اساسی آفریقای جنوبی هم حقوق مدنی و سیاسی و هم حقوق اقتصادی و اجتماعی را در بر می گیرد ... زمانیکه افراد از خوراک، پوشاک و مسکن مناسب محروم میشوند بی تردید کرامت انسانی آنها بعنوان یکی از ارزشهای مبنایی جامعه ما مخدوش شده است». در واقع دادگاه با تفسیر موسع کرامت انسانی حق بر خوراک، پوشاک و مسکن را برای شهروندان آفریقایی به رسمیت شناخته است. بنابراین تفسیر موسع کرامت انسانی به محاکم این اختیار را میدهد تا دامنه حمایتهای بشری را توسعه دهند. از دیگر پرونده هایی که محاکم برای تفسیر موسع به کرامت انسانی استناد کردند پرونده معروف به بچه های خیابان است پرونده اخیر که در سال ۱۹۹۹ در دادگاه آمریکایی حقوق بشر مطرح شد مربوط به قتل چند نوجوان گواتمالایی بوده که در خیابان به فروش مواد غذایی و نوشیدنی اشتغال داشتند قاضی ترینداد و ابرو برلی در نظر مشترکی که در مورد این رای صادر نمودند اعتقاد داشتند که حق حیات، مستلزم برخورداری از حداقل شرایط زندگی است که با کرامت انسانی مطابقت داشته باشد. در واقع قاضی ترینداد با استناد به کرامت انسانی تفسیر موسعی از حق حیات ارائه نمود؛ بدین معنا که حق حیات صرفا مستلزم زنده بودن شخص نیست اگر اشخاص از حداقل شرایط زندگی همراه با کرامت برخوردار نباشند حق حیاتشان نقض شده است ولو اینکه زنده باشند.

در حوزه های زیست محیطی ارتباط میان تخریب محیط زیست و آسیب دیدن کرامت انسانی مسئله ای است که همواره مورد توجه نهادهای بین المللی بوده است. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در گزارش خود راجع به دولت اکوادور مقرر داشته است: «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بر پایه این اصل استوار است که حقوق ذاتی افراد نشأت گرفته از انسان بودن آنهاست. احترام به کرامت انسانی افراد اصلی است که زیر بنای حمایت اساسی از حق حیات و حفاظت از سلامت جسمانی است. آلودگی شدید زیست محیطی که موجب بیماری جدی، درد و رنج مردم محلی میشود با حق احترام به انسان، سازگار نیست». در سالهای اخیر برخی محاکم بین المللی با شناسایی حق بر محیط زیست سالم، ورود خسارت به محیط زیست را بدون اینکه مستقیما به انسانی خسارتی وارد شود پذیرفته و محکوم نموده اند. از جمله پرونده مرکز اقدام حقوق اقتصادی و اجتماعی علیه نیجریه" در کمیسیون حقوق بشر و خلقهای آفریقا مطرح شده و مربوط به نقض حق بر محیط زیست سالم توسط دولت نیجریه میباشد زیرا دولت اخیر بر تعهدات خود در قبال شهروندانش در زمینه محیط زیست پایبند نبوده است خواهان پرونده مدعی بود که دولت نیجریه بطور مستقیم در آلوده نمودن هوا، آب و خاک مشارکت داشته است لذا کمیسیون عنوان میدارد که: «دولت میبایست برای ممانعت از آلودگی تخریب زیست محیطی، افزایش حمایت از محیط زیست حراست از توسعه پایدار زیست محیطی و استفاده صحیح از منابع طبیعی هرگونه اقدام معقولی را ترتیب دهد

با این حال برخی دادگاههای بین المللی عموماً زمانی ورود خسارت ناشی از آثار زیست محیطی را شناسایی مینمایند که این خسارت اولاً جدی و قریب الوقوع باشد ثانیاً حیات، سلامت و اموال شخصی شاکی را تهدید نماید یکی از آرای جالب و در عین حال قابل انتقاد دیوان اروپایی حقوق بشر پرونده کرتاتوس علیه یونان است. در این پرونده خواهانها خانم و آقای کرتاتوس (مادر و پسر) بدنبال تخریب ساختمانهایی بودند که در مرداب نزدیک محل سکونت آنها بنا شده بود. دیوان در این پرونده اذعان می دارد: «حتی اگر فرض کنیم به علت توسعه شهری منطقه محیط زیست منطقه مورد اختلاف به شدت آسیب دیده است خواهانها استدلال قابل قبولی ارائه نکردند که اثبات نماید خسارات ادعایی به پرندگان و سایر گونه های مورد حمایت که در مرداب می زیستند از چنان ماهیتی برخوردار است که بطور مستقیم حقوق آنها را طبق بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون نقض نماید». متعاقباً دیوان نتیجه می گیرد که نمیتواند بپذیرد مداخله در شرایط زندگی حیوانات در مرداب، تهدیدی برای زندگی شخصی یا خانوادگی خواهانها به حساب می آید.^۱

رویکرد دیوان با این انتقاد مواجه بوده است که خسارات ممکن است قریب الوقوع نبوده و با تاخیر موجبات ورود زیان را فراهم نمایند. علاوه بر این ممکن است لطمه جدی و قریب الوقوع به کرامت انسان وارد شود بدون اینکه به ظاهر حیات سلامت و اموال وی تحت الشعاع قرار گیرند. انتقادات به رای مذکور به اینجا ختم نمیشود زیرا دامنه ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با تفسیر دادگاه بسیار مضیق گردید بطوریکه با این تفسیر نه تنها ظرفیت دادگاه در حمایت از محیط زیست بلکه ظرفیت دادگاه در حمایت از حقوق بشر مندرج در ماده ۸ نیز محدود می گردد. دادگاه در این پرونده میتواند با توسل به مفهوم کرامت انسانی تفسیری موسع از حقوق مندرج در کنوانسیون ارائه نماید؛ این در حالیست که توسل به کرامت انسانی برای توسعه حقوق مندرج در ماده ۸ کنوانسیون در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بی سابقه نبوده است. در پرونده کریستین گودوین علیه بریتانیا دیوان اروپایی حقوق بشر مقرر میدارد ماهیت اصلی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر احترام به کرامت انسانی و آزادی انسان است.^۲

در رای اخیر یکی از حقوقی که دیوان در راستای کرامت انسانی مورد شناسایی قرار داده حق تعیین هویت میباشد بالتبع رویه قضایی باید تعیین نماید چه جنبه هایی از زندگی انسان، هویت انسان را تشکیل میدهد؟ بی تردید بخشی از هویت انسان در تعامل وی با محیط زیست شکل می گیرد. آسیب رساندن به محیط زندگی گروه های قومی و فرهنگی ممکن است به حیات، سلامت و حتی اموال شخصی آنها نیز آسیبی نرساند اما بی تردید هویت قومی و فرهنگی آنها را خدشه دار مینماید برای مثال اگر محیط زندگی گروه های قومی و فرهنگی محل تجمع زبانه های شهری باشد حتی اگر زبانه های مذکور بطور مستقیم به سلامت آنها آسیب نرساند مسلماً کرامت انسانی آنها نادیده انگاشته شده است. زیرا محیط زندگی آنها که بخشی از هویت آنها در آن شکل گرفته است از بین میرود. وجود انسان چنان با محیط زیست پیوند دارد که هرگونه آسیبی به محیط زیست لامحاله انسان و کرامت وی را دچار مخاطره می نماید. در واقع هویت شخص که بخشی از کرامت انسانی فرد را تشکیل میدهد در ارتباط شخص با محیط زیست شامل محیط پیرامونی وی شکل می گیرد. در پرونده اندورویس " کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلقها نیز عنوان میدارد جدایی اجباری مردم اندورویس از سرزمین شان هویت جمعی آنها را بعنوان مردم تهدید می نماید. شناسایی هویت انسانی به عنوان بخش مهمی از کرامت انسانی به دادگاه این فرصت را میدهد تا تاثیر تخریب محیط

¹ Ruling T-622, Expediente T-5.016.242, Colombia Constitutional Court (2016), p 159. In Francisca Pou Giménez, The Rights of Rivers and Forests and Apex Court Dynamics in Colombia: On Natural and Institutional Environments, 2018, available at: http://www.icconnectblog.com/2018/06/the-rights-of-rivers-and-forests-and-apex-court-dynamics-in-colombia-on-natural-and-institutional-environments-i-connect-column/#_edn6

² Tierra Digna, Colombian Constitutional Court sets a Global Precedent, 2017, last seen at 25/4/2020, available at: <https://www.abcolombia.org.uk/constitutional-court-sets-globalprecedent>.

زیست بر توسعه هویت فردی را در نهایت نقض کرامت انسانی تفسیر نماید (ولو اینکه این خسارت جدی و قریب الوقوع نبوده یا حیات سلامت و اموال شخص را تهدید ننماید. به عبارتی ساده پاسداری از کرامت انسانی جامعه بینالمللی را به سمت حفاظت از محیط زیست سوق میدهد چراکه در غیر اینصورت هویت انسان که بخشی از کرامت وی میباشد مخدوش می گردد به همین دلیل است که دیوان عالی دولت هند در یکی از پرونده- های خود اذعان می دارد بهره مندی از زندگی با کرامت انسانی، مستلزم حفاظت از محیط زیست و ایجاد تعادل زیست محیطی است به نحوی که آلودگی از آب و هوا زدوده شده و بهداشتی فراهم شود که بدون آن نمیتوان از زندگی بهره مند گردید. همچنین دیوان اخیر عنوان میکند بهره مندی از زندگی مستلزم برخورداری از حیاتی متناسب با کرامت انسانی، حفاظت از محیط زیست ایجاد تعادل محیطی با رفع آلودگی از آب و هوا و بهره مندی از محیط سالم و بهداشتی است... بنابراین محیط زیست بهداشتی یک جنبه جدایی ناپذیر از حق زندگی سالم است و زندگی همراه کرامت انسانی بدون داشتن محیطی زیستی سالم و انسانی غیر ممکن است. در واقع دیوان عالی دولت هند با الهام از اعلامیه استکهلم و تفسیر موسع از کرامت انسانی این رای را صادر نمود زیرا اعلامیه مقرر میدارد زندگی همراه با کرامت انسانی مستلزم برخورداری از محیطی است که شرایط لازم را برای برخورداری از آن فراهم نماید.

نتیجه گیری

در سالهای اخیر تحولات زیست محیطی از جمله گرمایش، زمین آسیب لایه اوزون و دولتها را به این سمت هدایت نمود که میبایست بیش از پیش به آن توجه نمایند. حقوق محیط زیست که در صدد ایجاد محیطی امن و سالم برای زندگی انسانی میباشد با اتخاذ رویکردی کرامت محور همواره بدنبال حفاظت و حراست از کرامت و شرافت انسانی بوده است. صاحب کتاب تکامل ارزشهای جهانی و حقوق بین الملل معتقد است اهمیت و ارزش کرامت انسانی تنها به این نیست که هسته اصلی حقوق بشر را تشکیل می دهد، کرامت انسانی بدنبال انسانی کردن کل حقوق بین الملل میباشد گرچه هیچ تعریف رسمی از کرامت انسانی در اسناد بین المللی وجود ندارد اما دکترین آن را بطور کل برخورداری از ارزش ذاتی به صرف انسان بودن تعریف کرده است. بحث در مورد ارتباط میان کرامت انسانی، حقوق بشر و محیط زیست نه تنها به طور مستقیم با وضعیت کنونی کره زمین مرتبط است، بلکه به عمق فلسفه اخلاقی و انسانی می پردازد. به ویژه در دنیای امروزی که تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست به یکی از مهم ترین مسائل جهانی تبدیل شده است، این بحث اهمیت دوچندان پیدا می کند. اگرچه اغلب اوقات حقوق بشر و محیط زیست به عنوان دو مسئله مجزا در نظر گرفته می شوند، اما در واقع این دو موضوع به طور غیرقابل تفکیکی به یکدیگر پیوسته اند.

کرامت انسانی، که در سطح جهانی به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق بشر پذیرفته شده است، به این معناست که هر فردی باید با احترام و به طور برابر در جامعه زندگی کند و از حقوق اولیه خود برخوردار باشد. در این راستا، انسانها نه تنها باید از حقوق فردی و اجتماعی برخوردار باشند، بلکه باید در محیطی زندگی کنند که برای حیات و توسعه فردی آنها مناسب باشد. محیط زیست سالم و منابع طبیعی کافی از اجزای مهم و اساسی برای تأمین این نیازها هستند. به عبارت دیگر، حق برخورداری از محیط زیست سالم، جزئی از حقوق بشر است که نمی توان آن را نادیده گرفت.

محیط زیست به عنوان بستر زندگی انسانها و دیگر موجودات، باید به گونه ای حفظ و مدیریت شود که شرایط زندگی سالم برای نسل های مختلف تأمین شود. آلودگی ها، تغییرات اقلیمی و از دست دادن تنوع زیستی نه تنها به طور مستقیم بر سلامت انسانها تأثیر می گذارند بلکه می توانند زندگی بسیاری از افراد را در معرض تهدیدات جدی قرار دهند. این تهدیدات، که در برخی مواقع به صورت بحران های انسانی خود را نشان می دهند، می توانند به نقض حقوق اساسی انسانها منجر شوند. مثلاً

آلودگی هوا، که به کاهش کیفیت زندگی انسان‌ها می‌انجامد، می‌تواند منجر به مشکلات جدی در سلامت افراد و کاهش طول عمر شود. به همین دلیل، حفاظت از محیط زیست در واقع دفاع از حقوق بشر است.

در سطح جهانی، بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی به اهمیت حفظ محیط زیست برای تأمین حقوق بشر پرداخته‌اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، که در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، به‌طور مشخص حقوقی همچون حق حیات، حق سلامت و حق برخورداری از محیطی سالم را برای انسان‌ها شناسایی کرده است. در سال‌های اخیر، جامعه جهانی به‌طور فزاینده‌ای متوجه شده است که برای دستیابی به یک جهان عادلانه‌تر و انسانی‌تر، نمی‌توان مسائل زیست‌محیطی را به‌طور مجزا از مسائل حقوق بشری بررسی کرد. به‌عنوان مثال، در اهداف توسعه پایدار که توسط سازمان ملل متحد مطرح شده، تأکید زیادی بر محیط زیست و عدالت اجتماعی شده است. در این اهداف، حقوق بشر و محیط زیست به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گرفته‌اند تا اطمینان حاصل شود که توسعه در جهت حفاظت از کرامت انسانی و منابع طبیعی پیش می‌رود.

یکی دیگر از نکات مهم در این زمینه، توجه به تأثیرات نابرابری‌ها در دسترسی به منابع طبیعی است. در جوامعی که بیشتر در معرض تهدیدات زیست‌محیطی قرار دارند، اقشار فقیرتر و آسیب‌پذیرتر ممکن است نتوانند به منابع طبیعی و خدمات زیست‌محیطی دسترسی داشته باشند. این نابرابری‌ها نه تنها به مشکلات اقتصادی می‌انجامد بلکه می‌تواند حقوق بشر را نقض کرده و کرامت انسان‌ها را تهدید کنند. برای مثال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، برخی از گروه‌ها به‌خاطر آلودگی منابع آب یا فقدان منابع طبیعی با مشکلات جدی مواجه می‌شوند که به نادیده گرفتن حقوق آن‌ها و نقض کرامت انسانی می‌انجامد.

به نظر نگارنده حقوق محیط زیست بعنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل با تکیه بر مولفه‌های کرامتی، تحت تأثیر فرایند انسانی شدن حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. انسانی شدن حقوق بین‌الملل در ابتدا با نفوذ مفاهیم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل آغاز شد. در رویکرد فرد محور اخیر، توجه به ملاحظات شخص انسانی در روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بوده است. اما به تدریج با استقرار اصل کرامت انسانی در مباحث زیست محیطی انسانی شدن حقوق بین‌الملل و شاخه‌های آن بر اساس نظام مبتنی بر بشریت شکل گرفت. در رویکرد بشریت محور، هدف، مرتفع ساختن نگرانی‌های مشترک بشریت و تعالی نوع انسان می‌باشد به گواه اسناد بین‌المللی و دکترین حقوقی، حقوق محیط زیست بر پایه عوامل عینی و ذهنی، سمبل رویکرد بشریت محور در حقوق بین‌الملل می‌باشد. مسئله نسل‌های آینده نیز در این بحث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان‌ها نه تنها مسئول حقوق خود هستند بلکه مسئولیت دارند که از منابع طبیعی به‌طور پایدار بهره‌برداری کنند تا نسل‌های آینده نیز از این منابع بهره‌مند شوند. این مسئولیت نه تنها یک الزام اخلاقی است بلکه به‌طور قانونی نیز در بسیاری از اسناد بین‌المللی گنجانده شده است. در حقیقت، دسترسی به یک محیط زیست سالم و حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده، جزئی از حق حیات و آزادی فردی است که باید در نظر گرفته شود. در این زمینه، حقوق نسل‌های آینده به‌عنوان بخشی از کرامت انسانی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

همچنین، در این ارتباط باید به اهمیت آگاهی‌رسانی و آموزش عمومی درباره تأثیرات محیط زیست بر حقوق بشر و کرامت انسانی توجه کرد. ارتقای آگاهی عمومی می‌تواند باعث تغییر در رفتارهای فردی و اجتماعی شود و به‌طور مؤثر در جهت حفاظت از محیط زیست و بهبود وضعیت حقوق بشر عمل کند. در جوامع مختلف، آموزش در خصوص اهمیت حفظ منابع طبیعی و محیط زیست می‌تواند نقش کلیدی در نهادینه‌سازی احترام به کرامت انسانی ایفا کند. این آموزش‌ها باید در سطوح مختلف، از آموزش‌های مدرسه‌ای گرفته تا برنامه‌های عمومی و رسانه‌ای، انجام شود تا افراد بتوانند نقش خود را در حفاظت از محیط زیست و ارتقای حقوق بشر به‌طور فعال ایفا کنند.

در نهایت، باید اذعان کرد که مسئله ارتباط بین کرامت انسانی، حقوق بشر و محیط زیست یک چالش جهانی است که نیازمند همکاری و هماهنگی بین کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، و جامعه مدنی است. حفاظت از محیط زیست باید به‌عنوان یک حق اساسی برای همه انسان‌ها شناخته شود و بر اساس آن سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی شکل گیرد. به‌ویژه، کشورها باید اقدامات مؤثری برای کاهش آثار منفی تغییرات اقلیمی و تخریب منابع طبیعی انجام دهند تا حقوق بشر و کرامت انسانی حفظ شود.

در نتیجه، اگر بخواهیم به یک جامعه پایدار و عادلانه دست یابیم، باید به‌طور هم‌زمان حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست را در سیاست‌ها و استراتژی‌های خود لحاظ کنیم. در این راستا، هر اقدامی که برای حفاظت از محیط زیست انجام می‌شود، به‌طور مستقیم بر کرامت انسانی تأثیر می‌گذارد و حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها را تقویت می‌کند. تنها در این صورت است که می‌توان به دنیای بهتر و عادلانه‌تری دست یافت، جایی که حقوق بشر و کرامت انسان‌ها در کنار محیط زیست سالم، محترم شمرده شوند.

منابع

۱. شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۶) الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین الملل، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز
۲. شیما عرب اسدی، امیرحسین، رنجبریات، (۱۳۹۷) نگرانی های مشترک بشری از پدیداری تا تکامل در حقوق بین الملل محیط زیست، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دوره ۸۴، شماره ۲، ۱۳۹۷ صص ۴۰۷-۴۰۸
۳. هدایت اله فلسفی، سیر عقل در منظومه حقوق بین الملل تهران: نشر نو با همکاری نشر آسیم، (۱۳۹۶) ص ۴۲۶. همان، صص ۴۳۲-۴۳۳
۴. یوسف فرزانه انسانی شدن حقوق بین الملل در پرتو نظریه مسئولیت حمایت با تاکید بر دیدگاه اسلام (تهران: دانشگاه پیام نور گروه الهیات و حقوق اسلامی، ۱۳۹۳) ص ۹۳
5. Lingliang Zeng, "Humanizing Tendency of Contemporary International Law", *Frontiers of Law in China*, Volume 4, issue 1, (2009), at 19
6. Ruling T-622, Expediente T-5.016.242, Colombia Constitutional Court (2016), p 159. In Francisca Pou Giménez, *The Rights of Rivers and Forests and Apex Court Dynamics in Colombia: On Natural and Institutional Environments*, 2018, available at: http://www.iconnectblog.com/2018/06/the-rights-of-rivers-and-forests-and-apex-court-dynamics-in-colombia-on-natural-and-institutional-environments-i-connect-column/#_edn6
7. Schonecker, Dieter, Elke Elizabeth Schmidt, "Kant's Ground-Thesis, On Dignity and Value in the Groundwork", *The Journal of Value Inquiry*, Volume 52, Issue 1, (2018).
8. Tierra Digna, Colombian Constitutional Court sets a Global Precedent, 2017, last seen at 25/4/2020, available at: <https://www.abcolombia.org.uk/constitutional-court-sets-globalprecedent>.
9. Yee, Sienho, Sienho Yee, "The International Law of Co-progressiveness: The Descriptive Observation, the Normative Position and Some Core Principles", *Chinese Journal of International Law*, Volume 13, issue 3, (2014)